

نگاهی به اعمال قاعده سازگاری و حق انتخاب مساعدترین قاعده در کنوانسیون نیویورک

| ایوب منصوری رضی* | دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه

تهران، تهران، ایران

| سیدمرتضی حسینی | دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد

تهران جنوب)، تهران، ایران

چکیده

کنوانسیون نیویورک متضمن قاعده سازگاری و حق انتخاب مساعدترین قاعده می‌باشد. با الحاق یک کشور به این کنوانسیون این پرسش مطرح می‌شود که آیا شناسایی و اجرای یک رأی داوری را می‌توان به ترکیبی از مقررات مساعد هر دو رژیم حقوقی کنوانسیون و مقررات داخلی کشور متکی نمود. جهت پاسخ به این پرسش ابتدا باید آراء داوری مشمول کنوانسیون به‌ویژه مفهوم رأی داوری غیرداخلی در کشور محل صدور آن را شناخت و سپس با انتخاب رژیم حقوقی یک کشور، مقررات کنوانسیون نیویورک را با مقررات آن سنجید. به این منظور کشور بلژیک برگزیده شده است. زیرا مقررات ناظر بر روند شناسایی و اجرای آراء داوری این کشور در سال ۲۰۱۳ با در نظر گرفتن قانون نمونه آنستیرال اصلاح گردیدند و نظامی مدرن تلقی می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهند که در صورت وجود یک عامل ارتباط خارجی در رابطه طرفین دعوا رأی صادره در کشور محل صدور، غیرداخلی و مشمول کنوانسیون تلقی می‌گردد. در روند شناسایی و اجرای رأی داوری مشمول کنوانسیون نیز می‌توان مساعدترین قواعد رژیم کنوانسیون و مقررات کشور محل اجرا را مورد استناد قرار داد.

واژگان کلیدی: اجرای رأی داوری، حق انتخاب، داوری غیرداخلی، کنوانسیون نیویورک، مساعدترین قاعده

مقدمه

شناسایی و اجرای رأی داوری مشمول کنوانسیون نیویورک را می‌توان با استناد به ترکیبی از مقررات کنوانسیون مزبور و مقررات داخلی کشور محل درخواست اجرا، مورد شناسایی و اجرا قرار داد. امکان این ترکیب، مسئله مهمی است که در این مقاله به اثبات می‌رسد؛ چراکه قواعد سازگاری و حق انتخاب مساعدترین قاعده در کنوانسیون نیویورک مقرر گردیده است. جهت اثبات نظر فوق و یافتن پاسخ مسئله اصلی، مسائلی بدین شرح مطرح بوده است. ابتدا باید دریافت که آراء داوری مشمول کنوانسیون نیویورک چه آرائی هستند؟ در خصوص رأی صادره در کشوری غیر از کشور محل اجرای آن، اگر اختلافی وجود ندارد، اما معیار دوم کنوانسیون نیویورک چگونه از سوی دادگاه‌ها تعیین می‌گردد؟ به عبارت دیگر برای اینکه یک رأی داوری صادره در کشور محل درخواست اجرا، غیرداخلی و مشمول کنوانسیون تلقی گردد؛ چه اموری ملاک هستند؟ همچنین باید بررسی نمود که با توجه به حق انتخاب مساعدترین قاعده، مقررات کنوانسیون و رژیم اجرای رأی مقرر در قانون داخلی کشور محل درخواست اجرا، چه امتیازاتی نسبت به همدیگر دارند؟ پس از پاسخ به این سؤالات می‌توان مسئله اصلی را مورد مطالعه قرار داد، اینکه آیا می‌توان اجرای رأی داوری را متکی به ترکیبی از هر دو رژیم کنوانسیون و قانون داخلی نمود؟ پاسخ سنتی به این مسئله این است که متقاضی شناسایی و اجرای رأی باید از میان رژیم حقوقی کنوانسیون نیویورک یا رژیم اجرایی داخلی کشور محل درخواست اجرا، یکی را انتخاب نماید و امکان ترکیب این دو وجود ندارد. این پژوهش نظری جدید مبنی بر امکان اتکای اجرای رأی با ترکیبی از هر دو رژیم مزبور را به اثبات می‌رساند. جهت پاسخ به سؤالات فوق، بررسی رژیم حقوقی شناسایی و اجرای رأی داوری در یک کشور ضرورت دارد. بدین منظور بلژیک مورد مطالعه قرار می‌گیرد. انتخاب بلژیک به دلیل اصلاح مقررات ناظر بر داوری این کشور در سال ۲۰۱۳ و با اقتباس از قانون نمونه آنسیترال بوده است. دلیل دیگر اهمیت مقررات داوری بلژیک، وجود شرکت سوئیفت در این کشور است که متولی انتقال پیام‌های مالی بین بانک‌ها و مؤسسات مالی سراسر دنیا می‌باشد. سوئیفت، مخفف عبارت شرکت بین‌المللی ارتباط مالی بین بانکی^۱، یک شرکت تعاونی با مسئولیت محدود بر اساس قانون بلژیک است که تسهیلات و خدمات ویژه‌ای را در سراسر دنیا ارائه می‌دهد. بانک‌های عضو سوئیفت در آن دارای سهام بوده و در سود مؤسسه سهیم هستند (Scott, Zachariadis, 2010: 2)، روابط سوئیفت با بانک‌ها و مؤسسات مالی تابع ترتیبات قراردادی مورد توافق میان طرفین می‌باشد. در این ترتیبات قراردادی طرفی چندمرحله‌ای برای حل اختلافات طرفین پیش‌بینی شده است (Kayali, 2010: 551-577) که دو مرجع

1. Society for worldwide interbank financial telecommunication

داوری شامل دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی و مرکز داوری و میانجی‌گری بلژیک^۱ را شامل می‌شود. در تمامی قراردادهای سویفت، بلژیک به‌عنوان محل داوری انتخاب شده است. مقررات حاکم بر روند اجرای آرای داوری صادره در بلژیک به طرفیت این شرکت یا هر تبعه بلژیکی دیگر عبارتند از مقررات آیین دادرسی مدنی بلژیک و کنوانسیون نیویورک. شایان ذکر است که بلژیک به کنوانسیون اروپایی در زمینه داوری تجاری بین‌المللی نیز ملحق شده است که شرایط مساعدتری دارد که به‌طور مثال؛ جهات ابطال رأی در کنوانسیون اروپایی نسبت به کنوانسیون نیویورک و حتی مقررات آیین دادرسی مدنی بلژیک محدودتر هستند (Gaillard, 1999: 16-45). البته چهارچوب اعمال این کنوانسیون، محدود به قراردادهای منعقد شده میان طرفین مقیم در کشورهای متعاقد (اروپایی) است و نسبت به اشخاص غیراروپایی از جمله ایرانیان حاکم نیست (Van Hautte et al, 1998: 431-446).

شناسایی و اجرای رأی داوری علیه سویفت، نسبت به شناسایی و اجرای رأی نسبت به اشخاص دیگر خصوصیتی ندارد و اشاره به سویفت جهت بیان جنبه کاربردی پژوهش، ضرورت و اهمیت رژیم اجرایی کشور بلژیک می‌باشد. چنانچه شناسایی و اجرای رأی داوری صادره در بلژیک علیه محکوم‌علیه در همین کشور درخواست شود، رأی داوری، خارجی تلقی نمی‌شود و مصداق معیار اول کنوانسیون نیویورک نمی‌باشد، لیکن باید دید که آیا رأی را می‌توان غیرداخلی و مشمول کنوانسیون تلقی نمود. در این پژوهش در سه بخش به این مسائل پاسخ داده می‌شود. ابتدا آراء داوری مشمول کنوانسیون به‌ویژه رأی غیرداخلی مطالعه می‌شوند، در بخش دوم مقررات کنوانسیون با مقررات داخلی بلژیک تطبیق می‌شوند تا امتیازات هر یک نسبت به یکدیگر روشن شود و در نهایت امکان ترکیب رژیم اجرایی کنوانسیون و مقررات داخلی به اثبات می‌رسد.

۱. آراء داوری مشمول کنوانسیون نیویورک

کنوانسیون نیویورک بر دو دسته از آراء داوری اعمال می‌شود. دسته اول آراء داوری صادره در کشوری غیر از کشور محل درخواست اجرای رأی که جهت اعمال کنوانسیون، وجود هیچ عامل ارتباط دیگری لازم نیست و در این خصوص اختلافی وجود ندارد (جنیدی، ۱۳۹۰: ۸۵-۵۱). اما در کنار این آراء خارجی، کنوانسیون نیویورک در بند ۱ ماده ۱ به گونه‌ای دیگر از آراء داوری با عنوان «غیرداخلی»^۲ اشاره می‌نماید. این آراء عبارتند از آرای که در کشور محل درخواست اجرا، داخلی تلقی نمی‌شوند. فایده غیرداخلی تلقی شدن رأی داوری این است که کنوانسیون نیویورک بر آن قابل اعمال خواهد بود و در صورت امکان ترکیب مقررات کنوانسیون با مقررات داخلی، اجرای رأی

1. Belgian Centre for Arbitration and Mediation.

2. Non-domestic

از طریق حذف مقررات اشد و انتخاب مقررات ساده‌تر از هر دو رژیم اجرایی تسهیل می‌گردد. به‌عنوان مثال در ایران چنانچه رأی داخلی تلقی شود؛ باید موجه و مدلل و مطابق با قوانین موجد حق باشد؛ بر همین اساس محاکم در دعاوی ابطال یا درخواست‌های اجرای رأی داوری ماهیت رأی داوری را نیز مورد ارزیابی قرار می‌دهند در حالی که در کنوانسیون نیویورک چنین الزامی پیش‌بینی نشده و این رویکرد مغایر خواسته و اراده طرفین می‌باشد (مافی و پارسا، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۰۵).

قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶ را که نسبت به قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مناسب‌تر است، برخلاف نظر برخی نویسندگان (صفایی، ۱۳۷۷: ۱۷)، نمی‌توان بر داوری‌های داخلی اعمال کرد؛ زیرا قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به قانون داوری تجاری بین‌المللی مؤخر است. همچنین صراحت ماده ۴۶۱ قانون اخیرالتصویب مانع از صلاحیت داور در خصوص اصل قرارداد است (شیروی، ۱۳۹۶؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۲۸؛ یوسف‌زاده، ۱۳۹۳: ۷۲). از جمله تسهیلات قانون داوری تجاری بین‌المللی نسبت به قانون آیین دادرسی مدنی این است که در قانون نخست داور مطابق اصل صلاحیت در صلاحیت می‌تواند نسبت به اعتبار قرارداد نیز اتخاذ تصمیم نماید (سکوتی، ۱۳۹۶: ۳۰۷-۲۸۳). اما در قانون اخیر این صلاحیت را ندارد. عدم شمول مقررات قانون آیین دادرسی مدنی بر داوری‌های تجاری بین‌المللی نیز بدیهی است و در ماده ۳۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی بدان تصریح شده است.

همچنین با غیرداخلی تلقی شدن رأی داوری و امکان اعمال کنوانسیون نیویورک بر آن، اجرای رأی داوری که در کشور مبدأ ابطال یا معلق شده است در کشورهای دیگر ممکن می‌شود، البته در صورتی که ابطال یا تعلیق رأی در کشور مبدأ از جهات عدم شناسایی و اجرای آن در کشور محل درخواست اجرا نباشد. این امر ناشی از اعمال حق انتخاب مساعدترین قاعده می‌باشد و به‌عنوان مثال محکمه ایرانی می‌تواند با وجود ابطال رأی در کشوری دیگر؛ درخواست شناسایی و اجرای آن در ایران را بپذیرد؛ زیرا مطابق حق انتخاب مساعدترین قاعده حق استناد به مقررات داخلی را دارد و مطابق مقررات داخلی ایران ابطال یا تعلیق رأی در کشور مبدأ از جهات عدم شناسایی و اجرای رأی داوری نیست (شریعت‌باقری، ۱۳۸۰: ۹۶-۴۹). این رویه در کشورهای مختلفی نظیر: فرانسه، بلژیک، اتریش و آمریکا نیز گزارش شده و به رویه‌ای تثبیت شده مبدل شده است (Gharavi & Liescher, 2002: 77). در خصوص معیار غیرداخلی تلقی شدن رأی داوری صادره در کشور محل درخواست اجرا و تبعاً امکان اعمال مقررات کنوانسیون نیویورک بر آن، نیز نویسندگان دیدگاه یکسانی ندارند؛ بنا بر یک نظر، صرفاً رأیی که بر مبنای قانون کشوری غیر از کشور محل درخواست اجرای آن صادر شده باشد؛ رأی غیرداخلی محسوب می‌شود (جنیدی، ۱۳۹۲: ۵۵)، اما بنا به نظر دیگر چنانچه در رأی

صادره عاملی خارجی دخیل باشد. رأی غیرداخلی تلقی می‌گردد و نظر اخیر در کشورهای مختلفی مورد تأیید و عمل قرار گرفته و الگوی در گذر زمان گرایش به گسترش دایره شمول معیار دوم کنوانسیون به آراء داوری صادره در داخل با دستاویز قراردادن عوامل ارتباط مختلف همچون: تابعیت طرفین، محل اجرای قرارداد یا مقرراتی غیر از مقررات داخلی در رویه دادگاه‌ها افزایش یافته است (Van den berg, 2008: 41). به اعتقاد گروه اول این‌گونه استناد به کنوانسیون و تفسیر معیار دوم مطروح در آن، نقض غرض کنوانسیون مبنی بر ایجاد هماهنگی در روند اجرای آراء داوری خارجی را در پی خواهد داشت (جنیدی، ۱۳۹۲: ۶۳). به نظر می‌رسد یکی از اهداف کنوانسیون، تسهیل اجرای آراء داوری می‌باشد؛ لذا تحدید دامنه شمول آن ناقض این هدف است و چنانچه غرض کنوانسیون محدود نمودن این‌گونه آراء، به مواردی باشد که بر مبنای قانون کشور دیگر صادر شده‌اند؛ در مقام بیان بدان تصریح می‌نمود، همانگونه که در خصوص جهات مانع شناسایی و اجرای رأی در ماده ۵ این‌گونه عمل شده است و ابطال رأی در کشور محل صدور یا کشوری که رأی بر اساس قانون آن صادر شده است را مانع شناسایی و اجرای رأی دانسته است. مضافاً اینکه قصد دیگر کنوانسیون، ایجاد یکپارچگی در روند شناسایی و اجرای آراء داوری است و قطعاً این هدف زمانی محقق خواهد شد که کنوانسیون نسبت به تعداد بیشتری از آراء قابل اعمال باشد؛ بنابراین توسعه دامنه شمول کنوانسیون با این اهداف هم‌خوانی دارد. از طرف دیگر در شروط حل اختلاف مرسوم نیست که طرفین کشوری را به‌عنوان محل داوری انتخاب و از طرفی قانون داوری کشوری را بر آن حاکم بدانند، چنانچه عبارت غیرداخلی را صرفاً شامل آراء صادره بر مبنای قانون داوری کشوری دیگری بدانیم؛ دامنه شمول آن محدود به موارد نادر می‌شود که قطعاً مورد نظر کنوانسیون نمی‌باشد.

تفسیر موسع از مفاد کنوانسیون مورد مطالعه در کشورهای مختلف مورد قبول و عمل قرار گرفته است؛ علاوه بر دعوای معروف برگسن علیه مولر^۱ و مواردی دیگر (Cheung, 2012: 237-265). در دیگر کشورها نیز در تفسیر معیار دوم کنوانسیون رویه‌های مختلفی دیده شده است. در ایالات متحده رأی صادره در این کشور در صورتی که در خصوص مالی واقع در خارج باشد، محل اجرا و ایفاء تعهد خارج باشد یا رابطه منطقی دیگری با یک یا چند کشور خارجی داشته باشد، کنوانسیون نیویورک قابل اجرا می‌باشد. در دعوای برگسن به طرفیت مولر دادگاه نظر داد که تعریف رأی غیرداخلی در کنوانسیون عامدانه مسکوت ماند تا دامنه شمول کنوانسیون به آراء داوری واجد شرایط تا حد ممکن گسترش یابد و در این پرونده رأی صادره در آمریکا میان شرکت‌های نروژی و سوئیسی را غیرداخلی

1. Sigval Bergesen, as Owners of the M/T Sydfohn and others v. Joseph Müller Corporation, Court of Appeals, Second Circuit, United States of America, 17 June 1983, 710 F.2d 928.

تلقی نمود. در دعوای الغانم به طرفیت توئیز. آر^۱ دادگاه به ملاک‌های غیرداخلی شدن رأی داوری صادره در آمریکا تصریح نمود. در این دعوا طرفین در نوامبر ۱۹۸۲ قراردادی باهم منعقد نمودند، بر اساس این قرارداد، طرف کوییتی (الغانم) حق داشت که در کویت و دیگر کشورهای خاورمیانه فروشگاه افتتاح و از علامت تجاری طرف آمریکایی استفاده نماید. پس از بروز اختلاف، طرفین به داوری رجوع نمودند. طرف آمریکایی روند داوری را در کانون داوری آمریکا جهت اعلان خاتمه قرارداد در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۳ آغاز نمود و الغانم دعوای متقابل با خواسته نقض قرارداد طرح و داور درخواست طرف آمریکایی مبنی بر صدور رأی اعلانی خاتمه قرارداد را رد نمود و بعد از دادرسی حدود دو ساله، حکم به جبران خسارت به سود الغانم صادر کرد؛ همچنین محل داوری و صدور رأی داور آمریکا بود. الغانم در دادگاه ایالت نیویورک درخواست شناسایی رأی تحت کنوانسیون نیویورک را مطرح نمود، ولی توئیز. آر استدلال نمود که رأی داوری باید بر اساس قانون داوری فدرال ابطال گردد زیرا شروط قراردادی طرفین را نادیده گرفته است، دادگاه نظر توئیز. آر مبنی بر قابلیت اعمال قانون داوری فدرال، که قانون داخلی آمریکا می‌باشد، و هم‌پوشانی میان کنوانسیون و این قانون را قبول و درخواست ابطال رأی را رد و آن را تأیید نمود. در مرحله تجدیدنظر نیز دادگاه نتیجه گرفت که از آنجا که قرارداد منشأ داوری میان طرفین از ملیت‌های مختلف است و محل اجرای قرارداد خارج از کشور بوده است؛ لذا رأی غیرداخلی و مشمول کنوانسیون تلقی می‌گردد (Carbonneau, 1998: 277-290).

در دعوای دیگری نیز این رویه مورد عمل و تأیید قرار گرفته است؛ چراکه تابعیت خارجی، محل تشکیل شخص حقوقی در خارج و اجرای قرارداد در خارج موجب غیرداخلی تلقی شدن رأی داوری گردید.^۲ این رویه ناشی از اجرای ماده ۲۰۲ قانون داوری فدرال آمریکا می‌باشد که به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد با وجود یک عامل ارتباط خارجی در قرارداد یا رأی داوری، مقررات کنوانسیون را بر آن اعمال نمایند هر چند که محل صدور آن آمریکا باشد.

این نگاه موسع در دیگر کشورها نیز مورد اقبال واقع شده است. در تایوان ماده ۴۷ قانون داوری، رأی داوری خارجی را یک رأی داوری صادره در خارج از کشور یا صادره بر اساس قوانین خارجی در داخل کشور محسوب می‌نماید. در این کشور آراء صادره بر اساس قانون داوری یک کشور دیگر، بر اساس مقررات یک مؤسسه داوری خارجی یا قواعد یک مؤسسه بین‌المللی مانند قانون نمونه آنسیترال یا حتی تحت نظارت یک مؤسسه داوری بین‌المللی رأی داوری غیرداخلی شمرده می‌شود

1. Alghanim & Sons v. Toys "R" Us (Toys "R" Us), 126F.3d 15, 16 (2d Cir. 1997)

2. Jacada Ltd. v. International Marketing Strategies, Inc., Court of Appeals, Sixth Circuit, United States of America, 18 March 2005, 03-2521. & Four Seasons Hotels and Resorts, BV v. Consorcio Barr, SA, 267 F. Supp. 2d 1335 - US: Dist. Court, SD Florida, Miami Div. 2003

(Op.cit, 15 Bermann). در جمهوری خلق چین^۱، رأی داوری صادره در پکن صرفاً به این دلیل که از سوی دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی صادره شده بود مشمول کنوانسیون تلقی شد و صدور رأی از مراجع غیرداخلی ولو در چین موجب شمول کنوانسیون بر آن می‌شود (Zhang, 2014: 14). در اندونزی نیز رأی صادره توسط داور خارجی یا مؤسسه داوری که مطابق قانون این کشور، یک مؤسسه خارجی تلقی گردد، یک رأی داخلی تلقی نمی‌شود. دادگاه‌های رومانی رأی صادره در داخل که ناشی از رابطه حقوقی واجد یک عنصر خارجی باشد را یک رأی مشمول کنوانسیون نیویورک می‌دانند. اروگوئه و ویتنام نیز رأی صادره در این کشورها را که بر اساس یک روند داوری بین‌المللی باشد، مشمول کنوانسیون محسوب می‌نمایند. همین برداشت از کنوانسیون صحیح می‌باشد.

حال باید دید که اثر و فایده غیرداخلی تلقی شدن آراء داوری صادره در کشور محل درخواست اجرای آن چیست؟ جهت پاسخ به این سؤال باید مقررات کنوانسیون با مقررات آیین دادرسی مدنی یک کشور که ناظر بر روند اجرای رأی داوری در این کشور می‌باشند (در اینجا بلژیک) را مقایسه می‌کنیم تا مزایای هر یک بر دیگری مشخص شود.

۲. تطبیق مقررات کنوانسیون نیویورک با آیین دادرسی مدنی داخلی

هدف از مقایسه مقررات کنوانسیون و آیین دادرسی مدنی داخلی آن است که بدانیم کدام یک شرایط مساعدتری را جهت شناسایی و اجرای در اختیار متقاضی قرار می‌دهند. در همین راستا ابتدا مقررات داخلی بلژیک، سپس چهارچوب کنوانسیون نیویورک مورد مطالعه واقع می‌شوند و در نهایت امتیازات هر یک بر دیگری ارائه خواهند شد.

۲-۱. روند شناسایی و اجرای رأی داوری

مواد ۱۷۱۹ تا ۱۷۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی بلژیک^۲، روند شناسایی و اجراء آراء داوری داخلی و بین‌المللی را تشریح می‌کنند. بر اساس این مقررات، رأی داوری پس از شناسایی و اعلام قابلیت اجرا توسط دادگاه بدوی محل اقامت خوانده، اجرا می‌شود (Philippe, 2014: 5-20).

مطابق مقررات فوق‌الذکر به پیوست درخواست، باید اصل رأی یا کپی مصدق آن و توافق‌نامه داوری به همراه ترجمه رسمی آن به دادگاه تسلیم شود. دادرسی مربوط به شناسایی رأی داوری، یک‌جانبه (Lorenzen: 39-68; Volz et al, 1996: 868- 937) و بدون ابلاغ به طرف مقابل انجام می‌شود. همچنین ترجمه‌ای رسمی از اسناد فوق‌الذکر به زبان دادرسی که بسته به محل درخواست می‌تواند هلندی، فرانسوی، آلمانی یا انگلیسی باشد، نیز باید به پیوست درخواست تسلیم گردد.

1. Duferco S.A. v. Ningbo Arts & Craft Import & Export Co., Ltd., 2008 Yong Zhong Jian Zi no. 4 (Apr, 22, 2009).

2. Code of Civil Procedure

(Hanotiau & B. duquesne, 1997: 309). مطابق ماده ۱۷۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی بلژیک ظرف ده سال از زمان ابلاغ رأی داور، متقاضی می‌تواند درخواست شناسایی و اجرای رأی داور را اقامه نماید (بند ۳ ماده ۱۷۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی بلژیک). خواهان نیز باید برای خود یک اقامتگاه در بلژیک و در حوزه قضایی دادگاه معین کند و رییس دادگاه بدوی در صورت قطعیت رأی یک تأییدیه یا روانامه صادر می‌کند. تصمیم دادگاه مبنی بر شناسایی رأی داور باید به طرف دیگر ابلاغ شود و این طرف حق دارد ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، به این تصمیم نزد دادگاه بدوی اعتراض نماید. تصمیم دادگاه بدوی قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر نمی‌باشد. تنها راه اعتراض به رد درخواست شناسایی و اجرا، اعتراض به این رأی نزد عالی‌ترین دادگاه پژوهشی یعنی دیوان عالی کشور بلژیک^۱ بر اساس ماده ۶۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی این کشور می‌باشد.

شرایطی که دادگاه‌ها از شناسایی رأی داور امتناع می‌نمایند عبارتند از: مخالفت با نظم عمومی، عدم قابلیت ارجاع موضوع دعوا به داور، اثبات عدم اهلیت یکی از طرفین، عدم صحت توافق‌نامه داور، عدم ابلاغ به‌نحو صحیح که به صحت رأی خلل وارد نماید، تجاوز رأی از موضوعات توافق‌نامه داور، مستدل نبودن رأی، عدم مطابقت ترکیب هیئت داور با توافق‌نامه طرفین یا در صورت عدم توافق طرفین با قانون کشور محل داور، تجاوز داور از اختیارات، عدم مطابقت روند داور با توافق طرفین و در صورت فقدان توافق با قانون کشور محل داور، قابل اعتراض بودن رأی نزد داوران و عدم قطعیت آن، ابطال یا تعلیق رأی توسط دادگاه کشوری که رأی در آن یا بر اساس قانون آن صادر شده است.

جهات ابطال رأی در بلژیک محدودتر از جهات امتناع از شناسایی رأی می‌باشند. در گذشته موضع سخت بلژیک نسبت به آراء داور سبب مطرود ماندن این کشور نزد جامعه داور و بازرگانی بین‌المللی شد، اما در اصلاحات بعدی این کشور مقررات خود را مناسب با مقتضیات بازرگانی بین‌المللی ساخته است (Van den Berg, 2014: 1-26).^۲ بلژیک کنوانسیون نیویورک را ضمن صدور شرط رفتار متقابل تصویب نموده است.

1. Court of Cassation

۲. در خصوص نظم عمومی به عنوان یکی از جهات ابطال و مانع شناسایی و اجرا، شایان ذکر است که در روابط حقوقی بین‌المللی نسبت به روابط داخلی کشورها نظم عمومی گستره محدودتری دارد و رابطه این دو عموم و خصوص مطلق است. مصادیق نظم عمومی تابع اقتضائات مکانی و زمانی است و چارچوب ثابتی ندارد (الماسی، ۱۳۸۸: ۱۸۶، ۱۹۰).

۲-۲. روند شناسایی و اجرای رأی داوری مطابق مقررات کنوانسیون نیویورک

کنوانسیون مقررات آیینی (آیین رسیدگی) ناظر بر شناسایی و اجرا آراء را پیش‌بینی ننموده است و آن را تابع مقررات داخلی کشورهای متعاقد قرار داده است. کنوانسیون در این زمینه صرفاً به جهات رد درخواست و نیز مدارک لازمه جهت پذیرش درخواست (ضمائم درخواست) اشاره نموده است. اکنون روند رسیدگی در مقررات کنوانسیون با توجه به ضمایم درخواست شناسایی و اجرا، اشاره و سپس امتیازات و الزامات این مقررات نسبت به مقررات داخلی سنجیده می‌شود.

۲-۲-۱. ضمایم درخواست

مطابق ماده ۳ کنوانسیون نیویورک «دول متعاقد، آرای داوری را الزام‌آور خواهند شناخت و آن‌ها را مطابق آیین دادرسی محلی که رأی در قلمرو آن مورد استناد قرار گرفته است، با رعایت شرایط مندرج در مواد آتی این کنوانسیون اجرا خواهند کرد. در مورد اجرای آراء داوری موضوع این کنوانسیون نباید شرایطی که اساساً اشد باشد یا حق الزحمه یا هزینه‌ای بیشتر از آنچه در شناسایی و اجرای آراء داوری داخلی معمول است، تحمیل شود.» شرایط مورد اشاره در ماده فوق، در ماده ۴ کنوانسیون ذکر گردیده‌اند که عبارتند از اینکه «۱. برای تحصیل شناسایی و اجرا، متقاضی شناسایی و اجرا باید مدارک زیر را نیز ارائه نماید: الف. اصل رأی داوری یا رونوشت مصدق آن. ب. اصل موافقت‌نامه داوری مذکور در ماده دو یا رونوشت مصدق آن» متقاضی مکلف به ترجمه رسمی این اسناد به زبان رسمی کشور است. به جز این شرایط، کنوانسیون نیویورک الزام دیگری در زمینه درخواست شناسایی و اجرای رأی داوری ندارد و روند شناسایی و اجرا مطابق با آیین اجرای رأی داوری در کشور محل درخواست اجرا خواهد بود، اکنون بلژیک از جمله کشورهایی است که مقررات واحدی جهت اجرای آرای داوری داخلی و خارجی دارد (جنیدی، ۱۳۹۲: ۱۸۵ و ۱۸۶).

۲-۲-۲. اعتراض به رأی

مقررات کنوانسیون نیویورک صرفاً ناظر بر روند شناسایی و اجرای آرای داوری می‌باشد و در زمینه آیین اعتراض به رأی داوری و درخواست ابطال یا تعلیق آن اشاره‌ای ندارد، اگرچه در این کنوانسیون صرفاً به محکوم‌علیه حق اعتراض در دعوی شناسایی بر مبنای جهات مقرر در ماده ۵ آن اعطا شده است. کلیه جهات مذکور در مقررات آیین دادرسی مدنی بلژیک پیش‌بینی شده‌اند که قبلاً اشاره شد ولی شایان توجه است که جهات مقرر در آیین دادرسی مدنی بلژیک در این زمینه دایره گسترده‌تری دارند. پس از شناخت مقررات ناظر بر روند شناسایی و اجرای آراء داوری در کنوانسیون نیویورک و قانون بلژیک، اکنون باید دید این روند بر مبنای کدامیک سهل‌تر است.

۲-۲-۳. ضامائم درخواست

ظاهراً این دو رژیم اجرایی از این جهت یکسان‌اند، چرا که در هر دو، متقاضی مکلف به تسلیم اصول رأی و موافقت‌نامه داوری یا تصاویر مصدق آن‌ها و عندالاحتضا ترجمه آن‌ها است، اما آنچه مایه تفاوت می‌شود، ضرورت کتبی بودن قرارداد مطابق کنوانسیون و عدم لزوم آن در آیین دادرسی مدنی بلژیک است. در حالی که ماده ۲ کنوانسیون نیویورک قلمرو اعمال را محدود به توافقات داوری مکتوب می‌نماید، در آیین دادرسی مدنی بلژیک سند تنها از جنبه اثباتی واجد اهمیت است و قرارداد یا شرط داوری از طرق دیگر نیز قابل اثبات می‌باشد. لذا مقررات آیین دادرسی مدنی بلژیک از این جهت بر کنوانسیون نیویورک رجحان دارد.

۲-۲-۴. جهات رد درخواست

همین طور با قیاس جهات رد درخواست شناسایی و اجرای رأی داوری موضوع ماده ۵ کنوانسیون و ماده ۱۷۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی بلژیک، محدود بودن این جهات در کنوانسیون نسبت به قانون آیین دادرسی مدنی روشن می‌شود. مقررات آیین دادرسی اخیر علاوه بر جهات مندرج در کنوانسیون، حاوی شروط مستدل بودن رأی، ضرورت انطباق روند داوری با توافق طرفین یا قانون محل داوری، ضرورت قطعی شدن رأی داوری و عدم قابلیت اعتراض به آن نزد داور نیز می‌باشد. شاید بتوان شروط دوم و سوم را به ترتیب مصادیقی از عدم امکان ارائه مواضع و مدعاها، به لحاظ عدم ابلاغ صحیح و عدم لازم‌الاجرا شدن رأی برشمرد، اما مستدل بودن رأی وفق مقررات آیین دادرسی مدنی بلژیک معادلی در کنوانسیون ندارد. لذا از این لحاظ درخواست شناسایی به استناد کنوانسیون در جهت تحصیل به مصلحت متقاضی است. افزون بر مراتب فوق، غیرداخلی تلقی شدن رأی داوری و شمول کنوانسیون بر آن موجب تضییق دامنه نظم عمومی خواهد شد؛ چه اگر رأی داوری داخلی محسوب نگردد، مغایرت آن با نظم عمومی بین‌المللی مانع شناسایی آن خواهد شد که نسبت به نظم عمومی ملی دامنه شمول و مصادیق محدودتری دارد.

بنابراین شمول کنوانسیون نسبت به درخواست شناسایی رأی داوری در بلژیک متضمن منافع بیشتری برای متقاضی است که با استناد به مقررات آیین دادرسی مدنی این کشور تحصیل نمی‌گردند، هرچند که این برتری و مفید بودن کنوانسیون نسبت به مقررات داخلی کشورهای متعاهد مطلق نیست و در برخی موارد، از جمله کتبی بودن قرارداد داوری، مقررات داخلی سهولت بیشتری دارند (Van den Berg, 1985: 25- 41)؛ بنابراین شرایط مطلوب برای متقاضی شناسایی و اجرای رأی این است که بتواند از مقررات هر دو رژیم کنوانسیون نیویورک و قوانین داخلی که برای او مساعدتر هستند؛ استفاده نماید.

۳. امکان ترکیب مقررات کنوانسیون و مقررات داخلی

مطابق قاعده سازگاری، کنوانسیون نیویورک خدشه‌ای به معاهدات دیگر، منعقدہ میان دول متعاہد و نیز مقررات داخلی آن‌ها وارد نمی‌کند و نیز بر اساس حق انتخاب مساعدترین قاعده که در ماده ۷ کنوانسیون مقرر شده است، متقاضی می‌تواند درخواست خود را متکی به قوانین داخلی کشور متبوع خود یا دیگر معاهدات مطرح بنماید. قوانین داخلی کشورهای متعاہد کنوانسیون نیویورک ممکن است مقرراتی اشد یا اخف نسبت به مقررات کنوانسیون باشند؛ به‌عنوان مثال مقنن بلژیک در سال ۲۰۱۳ مقررات ناظر به داوری در قانون آیین دادرسی این کشور را اصلاح نمود، این اصلاحیه که حاوی مقرراتی متفاوت و در مواردی اشد و غیرقابل جمع با مقررات کنوانسیون نیویورک می‌باشد، بر روند شناسایی و اجرای آراء داوری داخلی و خارجی نیز حاکم است، از جمله در صدر ماده ۱۷۲۱ این قانون، دادگاه صراحتاً مکلف به عدم شناسایی آراء داوری در صورت وجود یکی از موارد مذکور در ماده شده است. به‌طور مثال مستدل نبودن رأی در مواردی که وفق قانون حاکم بر رأی الزامی بوده، از جهات رد درخواست شناسایی و اجرای برشمرده شده است. اما کنوانسیون نیویورک مستدل بودن رأی را شرط پذیرش درخواست شناسایی و اجرای رأی قرار نداده است. از طرفی ممکن است برخی مقررات داخلی نسبت به مقررات کنوانسیون شرایط مساعدتری را ایجاد نمایند؛ از جمله در حقوق ایران، کتبی بودن قرارداد داوری شرط نیست، در حالی که کنوانسیون چنین الزامی دارد (مافی و پارسافر، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۰۵).

به نظر می‌رسد اتکای روند شناسایی و اجرای رأی داوری به رژیم مرکب از مقررات کنوانسیون و قوانین داخلی کشور متعاہد به شرط امکان استناد به شرایط مساعدتر از هر کدام از دو رژیم برای متقاضی نافع خواهد بود، حال آیا چنین امکانی فراهم است؟

بنا به یک نظر، مقررات آیینی داخلی کشورهای متعاہد ناظر بر روند اجرای آراء داوری مشمول کنوانسیون به‌وسیله کنوانسیون منسوخ می‌باشند (Van den Berg, 1981: 86, 248)؛ لذا در شناسایی و اجرای رأی داوری قاعده همه یا هیچ^۱ باید رعایت گردد و روند شناسایی و اجرا، تماماً یا بر اساس رژیم کنوانسیون یا بر اساس مقررات داخلی کشور محل درخواست اجرا اداره گردد (جنیدی، ۱۳۸۹: ۵۱-۸۹). بنا به نظر دیگر، مقررات داخلی کشورهای متعاہد تنها در صورتی که با مقررات کنوانسیون در تعارض باشند، منسوخ می‌باشند، در غیراین صورت در روند شناسایی و اجرای رأی داوری می‌توان میان آن‌ها جمع نمود. در این دیدگاه به نظر یکی از نویسندگان اجرای رأی داوری توسط دادگاه‌های کشورهای عضو کنوانسیون موجب نقض مفاد کنوانسیون نمی‌شود بلکه امتناع از اجرای رأی بدون

1. All or Nothing Proposition

اینکه شرایط استثنایی مقرر در بند یک ماده ۵ وجود داشته باشد نقض کنوانسیون محسوب می‌شود، این امر کشورها را به هدف اصلی کنوانسیون نیویورک هدایت می‌کند که عبارت است از اینکه فرایند داوری بین‌المللی را از دامنه قانون محل داوری رها نماید (Paulsson, 1997: 20). بنابراین چنانچه مقررات داخلی کشور عضو شرایط مساعدتری نسبت به مقررات کنوانسیون تحمیل نماید؛ قابل اعمال در کنار مقررات کنوانسیون می‌باشد.

اساساً رجوع به مقررات داخلی با اتکا به قاعده سازگاری مقرر در کنوانسیون همان جمع میان مقررات کنوانسیون و مقررات داخلی می‌باشد. حال با الحاق یک کشور به یک معاهده، مقررات این معاهده به عنوان بخشی از مقررات آن کشور تلقی می‌گردد و اصولاً معاهدات از جمله کنوانسیون نیویورک بر مقررات داخلی اولویت دارند. در فرضی که محکوم له رأی داوری، در کشور عضو کنوانسیون، اجرای رأی را به استناد مقررات داخلی آن کشور درخواست می‌نماید، دست کم میان ماده ۷ کنوانسیون و مقررات داخلی جمع کرده است؛ زیرا بدون اتکا به ماده ۷ کنوانسیون، امکان رجوع به مقررات داخلی وجود نداشت. ماده ۳ کنوانسیون نیز به امکان توسل به حقوق ناشی از مقررات داخلی کشورها مشروط به اینکه شدیدتر از مقررات کنوانسیون نباشند، اشاره دارد. در حالیکه قاعده همه یا هیچ، مغایر با این ماده به نظر می‌رسد. زیرا در فرضی که متقاضی درخواست اجرای خود را صرفاً مستند به مقررات کنوانسیون نماید، ماده ۳ کنوانسیون فاقد موضوع می‌گردد و در صورتی که صرفاً متکی به مقررات داخلی نماید که اساساً کنوانسیون، از جمله ماده ۳ قابل اعمال نیست. لذا قاعده همه یا هیچ با هدف کنوانسیون در تضاد است.

پس هیچ منعی جهت اعمال مقررات کنوانسیون در کنار دیگر مقررات آن کشور وجود ندارد، مگر اینکه به این امر تصریح شده باشد که در کنوانسیون نیویورک صرفاً مقررات اشد داخلی مطابق ماده ۳ کنوانسیون تخصیص خورده‌اند؛ لذا به نظر می‌رسد مساعدترین مقررات از هر دو رژیم قابل جمع با یکدیگر می‌باشند. همین نظر با هدف اصلی کنوانسیون مبنی بر تسهیل روند اجرای آراء داوری در تجارت بین‌المللی سازگاری دارد و باید مورد عمل باشد زیرا مطابق ماده ۳۱ کنوانسیون معاهدات مقررات یک معاهده بین‌المللی را باید مطابق با هدف آن تفسیر و اجرا نمود (Mayer, 1998: 583-599).

رویه متخذه از سوی دادگاه‌های ملی حاکی از تمایل به نظریه امکان تلفیق مقررات کنوانسیون و دیگر مقررات است (Mistelis et al, 2003: 697- 698). در دعوای کرومالوی، این رویه از دادگاه آمریکایی دیده می‌شود. شرکت آمریکایی کرومالوی با نیروی هوایی مصر قراردادی جهت تأمین، حفظ و تعمیر هلیکوپترها منعقد نمود، دولت مصر یک جانبه قرارداد را فسخ و طرفین وارد داوری طولانی شدند. بنا به توافق طرفین روند داوری در مصر و بر اساس قانون این کشور بود. رأی داوری

صادر شد که متعاقباً توسط دادگاه تجدیدنظر مصری ابطال گردید. سپس کرومالوی درخواست اجرای رأی مطابق کنوانسیون نیویورک و قانون داورى فدرال را در آمریکا مطرح نمود. دادگاه با این پرسش مواجه بود که آیا دادگاه آمریکایی که کنوانسیون را اعمال می نماید، باید یک رأی داورى بین المللی که در کشور محل صدور ابطال شده است را اجرا نماید. بند e شق ۱ ماده ۵ کنوانسیون، عدم اجرای آرای داورى ابطال شده در محل صدور را مقرر می دارد. با وجود این دادگاه اظهار داشت که منطوق ماده ۵ کنوانسیون آمره نیست و یک استاندارد اختیاری^۱ را مقرر می دارد و در مقابل منطوق ماده ۷ کنوانسیون آمره و اجباری است و حفظ حقوق ملی طرف جهت اجرای یک رأی را مقرر می دارد. ماده ۷ مقرر می دارد که مفاد کنوانسیون طرف ذی نفع را از حقی که مطابق قانون کشور محل اجرای آن از رأی ناشی می شود؛ محروم نمی کند.^۲ در مرحله تجدیدنظر نیز دادگاه مسئله هم پوشانی کنوانسیون نیویورک و قانون داورى فدرال را مورد توجه قرار داد. در ابتدا نتیجه گرفت که از آنجا که قرارداد منشأ داورى و رأی میان طرفین از ملیت های مختلف هستند و اجرای قرارداد خارج از کشور

1. Discretionary Standard.

۲. به نظر دادگاه بر اساس کنوانسیون کرومالوی تمامی حقوق مربوط به اجرای این رأی داورى که در صورت نبودن کنوانسیون داشت را همچنان دارا می باشد. بنابراین دادگاه مقررات کنوانسیون و قانون داورى فدرال را توأمان بر درخواست شناسایی و اجرای رأی اعمال نمود. این رویه در دعوی الغانم به طرفیت تویز.آر هم تأیید گردید. در این دعوا دادگاه آمریکایی با مسئله نقش قانون داورى فدرال بر اساس کنوانسیون مواجه گردید. دادگاه حکم کرد که جهات مقرر در بخش ۱۰ قانون داورى فدرال می توانند مکمل ماده ۵ کنوانسیون باشند تا حدی که با کنوانسیون در تعارض نباشند. دادگاه حتی در خصوص آراء داورى غیرداخلی مشمول کنوانسیون فراتر رفته و رعایت قید عدم تعارض با کنوانسیون را لازم ندانست. در نوامبر ۱۹۸۲ طرفین قراردادی با هم منعقد نمودند. بر اساس قرارداد الغانم چهارم فروشگاه اسباب بازی در کویت افتتاح و از علامت تجاری تویز.آر استفاده نمود. از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۳ فعالیت فروشگاه های الغانم موجب ۷ میلیون دلار آمریکا زیان داشت. در جولای سال ۱۹۹۳ تویز.آر یک ابلاغیه به الغانم ارسال نمود و اعلام کرد که قرارداد در ۳۱ ژانویه سال ۱۹۹۳ پایان خواهد یافت و تمدید نخواهد شد. الغانم مدعی شد که ابلاغیه با تأخیر ارسال شده است و قرارداد طرفین تا دو سال دیگر، یعنی تا ۱۶ ژانویه ۱۹۹۵، تمدید شده است. طرفین به داورى رجوع نمودند. طرف آمریکایی روند داورى را در کانون داورى آمریکا جهت اعلان خاتمه قرارداد در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۳ آغاز نمود و الغانم دعوای متقابل با خواسته نقض قرارداد طرح نمود. داور درخواست طرف آمریکایی مبنی بر صدور رأی اعلانی را رد نمود و به نفع الغانم رأی داد. محل داورى و صدور رأی داور آمریکا بود. الغانم در دادگاه ایالت نیویورک درخواست شناسایی رأی تحت کنوانسیون نیویورک را مطرح نمود. تویز.آر استدلال نمود که رأی داورى باید بر اساس قانون داورى فدرال ابطال گردد زیرا غیرمنطقی است و شروط قراردادی طرفین را نادیده گرفته است. دادگاه نظر تویز.آر مبنی بر قابلیت اعمال قانون داورى فدرال و جمع میان کنوانسیون و این قانون را قبول نمود اما درخواست ابطال رأی را رد و رأی مذکور را تأیید نمود.

بوده است؛ رأی داوری غیرداخلی و مشمول کنوانسیون تلقی می‌گردد. سپس دادگاه رأی داد که مطابق قانون ایالات متحده جهات مقرر در ماده ۵ کنوانسیون در خصوص ابطال رأی داوری بین‌المللی یا غیرداخلی احصایی هستند، لذا قانون داوری فدرال می‌تواند مکمل کنوانسیون باشد مشروط به اینکه با کنوانسیون در تعارض نباشد (Carbonneau, Op cit.). منظور از تعارض این است که مطابق مواد ۳ و ۷ کنوانسیون مقرراتی شدیدتر از مقررات کنوانسیون را به متقاضی تحمیل ننماید. به این ترتیب دادگاه‌ها صریحاً به قابلیت جمع میان مقررات کنوانسیون و مقررات داخلی آمریکا تصریح نمودند. به نظر می‌رسد عقیده صحیح این است که رژیم اجرایی، مرکب از مقررات کنوانسیون و مقررات داخلی کشورهای متعاقد نه تنها مواجه با مشکلی نیست بلکه متناسب با اهداف کنوانسیون و اقتضای مقررات آن می‌باشد.

نتیجه‌گیری

اغراض کنوانسیون نیویورک در زمینه شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی با تفسیر موسع از رأی داوری غیرداخلی قابل تحقق هستند. تنظیم‌کنندگان کنوانسیون نیز با همین نیت، عامدانه ملاک غیرداخلی شدن رأی را مسکوت و آن را برعهده مقررات داخلی کشورها نهادند. وجود یک عامل ارتباط نظیر متفاوت بودن تابعیت طرفین دعوا، حکومت مقرراتی غیر از مقررات کشور محل صدور رأی بر روند داوری و اجرای قرارداد در خارج موجب می‌شود که رأی صادره در کشور محل اجرا، غیرداخلی تلقی شود. مقررات کشورها در مواردی متفاوت از مقررات کنوانسیون می‌باشد و این امر سبب وجود امتیازاتی در هر یک از دو رژیم کنوانسیون و مقررات داخلی نسبت به یکدیگر می‌شود. مثلاً مقررات قانون آیین دادرسی مدنی بلژیک نسبت به کنوانسیون این مزیت را دارد که کتبی بودن توافق داوری را شرط ننموده است، در مقابل کنوانسیون نیز برخلاف قانون مزبور مستدل نبودن رأی داوری را از جهات ابطال یا امتناع از شناسایی و اجرای آن نمی‌داند. لذا ترکیب هر دو رژیم و استفاده از مقررات مساعد هر دو رژیم برای متقاضی نافع می‌باشد. پس امکان استناد به مقررات مساعد هر دو رژیم صحیح می‌باشد به‌عنوان نمونه آراء داوری که در دادگاه داخلی شناسایی و اجرای آن‌ها درخواست می‌شود؛ می‌توان عدم اشتراط کتبی بودن توافق‌نامه داوری مطابق قانون این کشور و مستدل نبودن رأی را مطابق مقررات کنوانسیون مورد استناد قرار داد.

نگاهی به اعمال قاعده سازگاری و حق انتخاب مساعدترین قاعده در کنوانسیون نیویورک (منصوری رضی و حسینی) ۱۳۹

منابع

فارسی

- الماسی، نجادعلی. (۱۳۸۸). حقوق بین الملل خصوصی. چاپ. هشتم. تهران: میزان.
- جنیدی، لعیا. (۱۳۸۹). «کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرایی آن». مجله حقوق تطبیقی. دوره دوم. شماره ۱. صص ۸۵-۵۱.
- جنیدی، لعیا. (۱۳۹۲). اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی. چاپ دوم. تهران: شهر دانش.
- سکوئی، نیما و حسین زاده، جواد. (۱۳۹۶). «ماهیت، ویژگی ها و صلاحیت داوری در قانون پیش فروش ساختمان». نشریه حقوق خصوصی. دوره ۱۴. شماره ۲. صص ۳۰۷-۲۸۳.
- شریعت باقری، محمدجواد. (۱۳۸۰). «آثار الحاق ایران به کنوانسیون نیویورک ۱۹۸۵ در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی». مجله حقوقی دادگستری. شماره ۳۶. صص ۹۶-۴۹.
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۳). داوری تجاری بین المللی. تهران: سمت.
- صفایی، سیدحسین. (۱۳۷۷). «سخنی چند درباره نوآوریها و نارسایی های قانون داوری تجاری بین المللی»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۴۰. صص ۳۹-۵.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). قواعد عمومی قراردادها. جلد چهارم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مافی، همایون و جواد پارسافر. (۱۳۹۰). «دخاله دادگاهها در رسیدگی های داوری در حقوق ایران»، دیدگاه های حقوق قضایی، صص ۱۳۰-۱۰۵.
- یوسف زاده، مرتضی. (۱۳۹۳). آیین داوری. تهران: شرکت سهامی انتشار.

لاتین

- Hanotiou, Bernard. (1997). "Le execution en Belgique des sentences arbitrales etrangeres". Belgium, Journal des Tribunaux. No 25.
- Bermann, George A. (2015). Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards: The Application of The New York Convention by National Courts: New York: springer.
- Carbonneau, Thomas E. (1998). "Debating the Proper Role of National Law Under New York Convention", Tulane Journal of International & Comparative Law, Vol 6: 277-290.
- Cheung, Christina. (2012). "The Enforcement Methodology of Non-Domestic Arbitral Awards Rendered in the United States & Foreign Related Arbitral Awards Rendered in the People's Republic of China pursuant to Domestic Law and the New York Convention", SANTA CLARA JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW: Vol 11pp 237-265.
- Gharavi, Hamid & Liebscher, Christoph. (2002), The International Effectiveness of the Annulment of an Arbitral Award, The Netherland, Kluwer Law International.
- Gaillard, Emmanuel, 1999, "The Enforcement of Awards set aside in the country of origin", ICSID Review. vol 16. pp16- 45.
- Kayali, Didem. (2010). "Enforceability of Multi-tiered dispute Resolution Clauses", Journal of International Arbitration, Vol27 (6). pp 551-577.
- Lorenzen, Ernest G, (1935). "Commercial Arbitration, Enforcement of Foreign Awards", Yale Law Journal: vol 45, pp39-68.

- Mayer, Ulrich C, (1998), "The Enforcement of Annulled Arbitral Awards; Towards a Uniform Judicial Interpretation of the 1985 New York Convention", *Uniform Law Studies* - 1998- 2/3.
- Paulsson, Jan, (1997). "Rediscovering the New York convention: Further Reflections on Chromalloy". 12 *Mealey's International Arbitration: Report* 20,24.
- Philippe, Denis, (2014). "Modernisation of the Belgian Law on Arbitration", *de droit des affaires*, no 109, 5- 20.
- Scott, Susan V& Markos Zachariadis, (2010). *Origins and development of the global SWIFT network, 1973-2009*. Department of Management Information systems and innovation Group London school of economics and political science, working paper series.
- Van den Berg, Albert Jan, (2014). *Should the Setting Aside of the Arbitral Award be Abolished*, *ICSID review Journal*, Oxford University Press, sit053, pp1-26.
- Van den Berg, Albert Jan, (1981). *The New York Convention of 1958*, The Netherlands, Kluwer Law International.
- Van den Berg, Albert Jan, (1985). "When Is an Arbitral Award Nondomestic Under the New York Convention of 1958?", *Pace Law Review*, Volume 6. pp25-41.
- Van den berg, Albert Jan, (2008). *The New York Convention of 1958: An Overview*. U.K., Cameron Publication.
- Van Haute, Hans &Valgaeren, Erik, (1998)."The Enforcement Procedure of Foreign Arbitral Award in Belgium", *Arbitration International*, Vol 14. pp431- 446.
- Volz Jane L&Haydock, Roger S, (1996)." Foreign Arbitral Awards: enforcing the Award against the recalcitrant loser"; *William Mitchell Law review Journal*, vol 21, pp868- 937.
- zhang, Bingnan, (2014): *Recognition and Enforcement of foreign arbitral Award in China and Grounds for Refusal in The Context of the New York Convention*. Belgium: Universiteit Gent.